نگاهی به صف آرایی بزرگ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری لبنان

بازیگران خاورمیانه در اردوی بیروت

[ترجمه: محمد اسماعیل نوذری/منبع: mideast monitor]

لبنان که در میان جوامع خاورمیانه، سرزمین تنوع ها و تضادها نام گرفته اکنون درپهنه سیاست خویش شگفتی های تازه ای به نمایش گذاشته است . در حالی که در خطه شمال این کشور همچنان آتش نزاع گروه افراطی فتح الاسلام با ارتش برپاست، بیروت، پایتخت افسانه ای این کشور آوردگاه یک رقابت بزرگ برای تعیین رئیس جمهورآینده لبنان است و آن سوی این کشمکش های نظامی وسیاسی ، زندگی مردم عادی را می توان به تماشا نشست که در سازگاری عجیب با این محیط پر تلاطم سیاسی چرخه کسب وکار خویش را پیش می برند. با این اوصاف، برای لبنانی ها که دراین ۳ سال، حوادثی بزرگ از غائله قتل (رفیق حریری) تا پیروزی نظامی بر خصم در جنگ ۳۳ روزه را از سرگذرانده اند، سال پیش رو نیز دوران سرنوشت سازی خواهد بود. در فضای مبهم بیروت صدای کشمکشی بزرگ به گوش می رسد ، کشاکشی همه جانبه برسر تعیین رئیس جمهور آینده این کشور. یک سوی این کشمکش دربیروت نمایان است اما سویه های دیگران را باید در فراسوی مرزهای لبنان وخاورمیانه و پایتخت های عربی وغربی جست وجو کرد.

دوره ریاست جمهوری امیل لحود رو به پایان است ، فردی که یکی از مناصب کلیدی قدرت را در اختیار دارد. با سپری شدن تابستان تند باد پائیز در لبنان زنگ رقابت بزرگ برسر انتخاب رئیس جمهور جدید را به صدا در می آورد . برنده این بازی هرکدام از دو جناح درگیر در لبنان ۱۴ مارس یا ۸ مارس باشد ، قادرخواهد بود اراده سیاسی خویش را بر اغلب امور و شئون این کشور حکمفرما سازد، زیرا رئیس جمهور علاوه بر اختیار تعیین فرماندهی ارتش و نیروهای مسلح، نماد اقتدار ملی تاریخ ۶۰ ساله این کشور از ۱۹۴۳ ـ زمان استقلال ـ تاکنون بوده است.

بی سبب نیست که انتخابات ریاست جمهوری لبنان از سوی برخی ناظران جدال بزرگ و تعیین کننده و آخرین مبارزه نام گرفته است . از آن رو که همه چیز درنزاع طولانی دو جناح موسوم به ۱۴ مارس و ۸ مارس به این انتخابات گره خورده است. قاطبه ناظران براین باورند که صندوق انتخابات ریاست جمهوری لبنان ممکن است گره از اختلاف طولانی وعمیق جناح های این کشور بگشاید یا به «حق و صلاحیت اداره کشور» باز کرده ومهر خاتمت بزند یا آن که باب نزاع های بزرگتر وطولانی تری را بگشاید. اهمیت حادثه ای که قرار است در روز انتخاب جانشین لحود رخ بدهد را می توان از خبرهای این روزهای بیروت سراغ گرفت. خبرهایی که جملگی حکایت از آن دارند که بیروت در تابستان داغ امسال باردیگر کانون آدم وشد دیپلمات ها و بلندپایگان اروپایی وعربی و آمریکایی است که هر کدام به بسته ای از طرح ها وسناریوها در باره رئیس جمهور آینده نزد گروه ها واحزاب لبنانی می روند. درمیان این انبوه خبرها باید مکث جدی در گفته اخیر رئیس جمهور آمریکا کرد که به طور بی پروا از اهمیت انتخابات ریاست جمهوری آینده لبنان نزد مردان کاخ سفید سخن راند وفاش کرد که واشنگتن و شرکایش طرحی مشترک را در کارزار ریاست جمهوری لبنان پیش خواهند برد.

صدرنشین رجال بیروت (در اهمیت کرسی ریاست جمهوری)

ریاست جمهوری بر حسب سنت و قانون حاکم بر لبنان جایگاهی تعیین کننده است. اودر هرم قدرت لبنان و درصدر دیگر نهادهای سیاسی نشسته است. از جمله اختیارات رئیس جمهور که به جایگاهی ویژه بخشیده است ریاست نیروهای مسلح و نیز حق ویژه وی در وتوی مصوبات مهم مجلس و دولت است . رئیس جمهوری می تواند نشست هیأت وزیران را هر زمان که بخواهد ریاست کند و همچنین می تواند در صورت لزوم، با توافق نخست وزیر، به تشکیل نشست فوق العاده هیأت وزیران مبادرت کند .

رئیس جمهور همچنین اختیار تصویب یا رد برخی تصمیمات کلیدی سیاست خارجی را دارد.

اما اگر جایگاه در دوره جدید به کانون نزاع بدل شد فقط ناشی ازاین نیست که صاحب این کرسی گرانقیمت اختیارات افزون تری در قیاس با نهادهای دیگر دارد، بلکه به این دلیل است که گردش اوضاع وامور درلبنان به سمتی رفته است که امروز رئیس جمهور درست درنقطه تلاقی نزاع تاریخی همه جناح های قدرت این کشور ایستاده است.

در ذهن جناح صاف که در بیروت و پشت کاخ ریاست جمهوری صف انتظار بسته اند فقط اندیشه خلجان دارد و آن این که فقط با تسخیر کاخ ریاست جمهوری است که آنها می توانند تمام قاتیع یا حاکم بر بیروت را از آن خود کنند، گواین که حتی کسب کرسی های پارلمان و بهم چنین احساسی را به بازیگران بیروت نداده است . در تحلیل این عطش و آزمندی بی حدی که برای گرفتن کرسی ریاست جمهوری پیدا شده است تأثیر تجربه سال های اخیر را نباید از نظم انداخت. برای بازیگران برون مرزی لبنان این جایگاه به صورت یک معما درآمده است زیرا این صندلی به طور سنتی درقبضه متحدان سوریه بوده است تا حدی که هنوز هم به این گمانند که سوری ها پشت این منصب اردو زده اند و در چهره لحود نیز یک شریک سوریه را حس کرده اند. از همین روست که منتهای آمال گروه غرب در جدال امروز بیروت، نشاندن یک چهره ضدسوری در این صندلی است.

سنیوره و شرکای خارجی اش کتمان نمی کنند که همه طرح های آنان دراین سال ها به درسته برخورد کرده است وبخش زیادی از علت این ناکامی به مقاومت رئیس جمهور مربوط می شود. آنها می گویند بدون داشتن این صندلی هیچ قانونی را پیش نخواهند برد وباز به خاطرمی آورند که چندین جلوجناح ۱۴ مارس برای کشاندن ماجرای لبنان به مراکز بین المللی یا منزوی ساختن طرف هایی مانند سوریه یا جنبش مقاومت به دلیل وتوی رئیس جمهور ناکام مانده است. در نزاع امروز برسر ریاست جمهوری پای یک محاسبه دیگرهم درمیان است. طرف های منازعه بویژه در اردوی دولت پس از شنیدن آخرین نظر سنجی ها از افزایش بی سابقه محبوبیت منتقدان دولت بویژه حزب الله به این صرافت افتاده اند که به دلیل تنزل موقعیت شان شانس برنده شدن در انتخابات آینده پارلمان و به تبع آن تصدی دوباره دولت سخت وشاید شبه محال است لذا همه توان شان را باید صرف ریاست جمهوری کنند که اهرم ریاست جمهوری قدرت آن را دارد که بر کابینه و پارلمان هم حکم راند.

میراث نزاع انگیز طائف

باور این سخن برای نسل امروز دشوار است که هنوز لبنان که بر قله مدرنیسم فرهنگی قرار دارد و یکی از شاهراه های دنیای ارتباطات است، اما در عرصه سیاست هنوز تابع الگویی است که حدود دو دهه پیش با میانجیگری یکی از حکومت های سنتی خاورمیانه یعنی عربستان تصویب شد. پیمانی که ۱۹۸۹ در شهر طائف عربستان تصویب شد هنوزنالوده تقسیم قدرت دراین سرزمین است . برپایه قانون اساسی لبنان که از بطن این پیمان استخراج شده است، رئیس جمهوری این کشور با دو سوم آرای نمایندگان وبر اساس توافق گروههای لبنانی از میان مسیحیان مارونی ، انتخاب می شود. لبنان ازسال ۱۹۴۳ استقلال خود را کسب کرد، از آن زمان تاکنون این کشور کوچک خاورمیانه شاهد انتخاب ۱۱ رئیس جمهور بوده و آخرین آن سلرشکر امیل لحود است که از آذر ماه سال ۱۳۷۷ تاکنون بر این مسند تکیه زده و آذر ماه امسال نیز دوره کنونی وی به پایان می رسد.

اما مسأله بغرنج امروز این است انتخاب دوازدهمین رئیس جمهوری لبنان چه به لحاظ زمانی و چه از نظر سیاسی ،اجتماعی واقتصادی با تمام دوره های پیشین در این کشور متفاوت است. با همان سازوکار طائف هیچ کدام از دوجناح به تنهایی نمی توانند رئیس جمهور آینده را برگزینند. گروه ۱۴ مارس که مدعی اصلی این میدان است هر چند اکثریت عددی در مجلس نمایندگان لبنان را دارد اما حائز دو سوم نمایندگان نیست. تاکنون شمار زیادی از چهره های سیاسی برای نشستن بر کرسی لحود وارد عرصه شده اند. از میان این چهره ها می توان به : « میشل عون» رئیس حزب آزاد ملی (از سوی گروه ۸ مارس) و « شارل رزق » وزیر دادگستری، « نایله معوض » وزیر امور اجتماعی ، «پیترس حرب» و « نسیب لحود» از نمایندگان مجلس لبنان از طیف ۱۴ مارس اشاره کرد.

«جان عبید » نماینده پیشین مجلس لبنان نیز که به دیدگاه ۱۴ مارس و در عین حال به «نبیه بری» رئیس مجلس لبنان نزدیک است ، از جمله نامزدهایی است که می توان وی را به نوعی نامزد توافقی هر دو طرف نامید. اما نام یک مارونی دیگرنیز درفهرست ۱۴ مارس برای این کارزار همیشه مطرح می شد: سمیر جعجع، اما او اخیراً اعلام کرده که نامزد رئیس جمهوری نخواهد شد.

سناریوهای آماده عرضه در کارزار ریاست جمهوری

موضوع ریاست جمهوری از ابتدا در شمار یکی از سه مسأله اختلافی دو جبهه درگیردر بیروت بود . با این همه در قیاس با دو موضوع دیگر یعنی موضوع تشکیل دولت وحدت ملی و پرونده حریری این قضیه از حساسیت افزون تری برخوردارنبوده است . از ابتدا پیدا بود که این میدان عرصه یک زورآزمایی فراملی است .

در این چندماهی که بیروت شاهد آرایش سیاسی تازه بود وقوع چند حادثه موجب شد که نزاع بر سر ریاست جمهوری به صورتی زودهنگام و دامن گستر شروع شود. حادثه اول انتخابات منطقه ای المتن بود که به صورت پیش بینی نشده به میدان زورآزمایی دو جناح تبدیل شد. دراین حادثه میشل عون نماینده جناح ۸ مارس تنها کاندیدای مطرح ۱۴ مارس یعنی امین جمیل را شکستی سخت داد و همه ناظران در این حادثه پیام یک دعوای بزرگ راحس کردند.

حادثه دوم موضع گیری های طرفهای منطقه ای و بین المللی بود که آشکارا در باب جانشین لحود اعلام نظر کردند. این اعلام نظرها تنور رقابت را به صورتی عجیب داغ کرد . در این میان در حالی که منتقدان سنیوره چهره جایگزین خود برای این منصب را از یک سال پیش آماده کرده جناح ۱۴ مارس یکباره با بحران یافتن آلترناتیو برای لحود مواجه شدند. تاکنون نیز این بحران آلترناتیو در این جناح حل نشده است زیرا افرادی که در گروه مخالف تاکنون قد راست کرده اند، عناصر سیاسی درجه دو محسوب می شوند وآنها باید درمیدان رقابت عضو متقدر مخالفان یعنی میشل عون حاضر شوند. پس از این بود که جناح حاکم برای از کار انداختن ماشین رقابت انتخاباتی منتقدان دولت به مجموعه ای از روش ها وسناریوها دست زد که دردیل به برخی از آنان می پردازیم :

۱- راهبرد تغییر قاعده طائف

بن بستی که گریبان جناح حاکم را گرفته قاعده دوسوم آراست . در مجلس کنونی لبنان با ۱۲۸ کرسی که باید رئیس جمهور را برگزیند جناح ۱۴ مارس اکثریت مطلق ندارد.

مجلس نمایندگان لبنان ،دارای ۱۲۸ کرسی است که از این میان ۷۰ تن از نمایندگان آن متعلق به طیف ۱۴ مارس و ۵۸ تن دیگر عضو طیف ۸ مارس یا مخالفان دولت کنونی هستند.

البته پیر جمیل ولید عبدو دو تن از نمایندگان عضو ۱۴ مارس در ماه های گذشته ترور شده اند و شمار نمایندگان ۱۴ مارس در مجلس لبنان به عدد ۶۸ رسیده است. در چنین وضعی طراحان جناح ۱۴ مارس به این نتیجه رسیدند که برای بردن این بازی فقط یک راه دارند وآن دور زدن قانون است . درهر حالتی شرط دو سوم، این جناح را وادار می کند که کاندیداهای خود را از دالان تأیید جناح رقیب بگذرانند. پس از این بود که برخی شخصیت های مهم طیف ۱۴ مارس با همان حامیان دولت کنونی تلاش کردند تا این ایده را در جامعه سیاسی لبنان طرح و دنبال کنند که می توان در صورت امتناع نمایندگان مخالف دولت از حضور در نشست انتخاب رئیس جمهوری در مجلس ، رئیس جمهوری جدید را با نصف به علاوه یک رأی نمایندگان نیز انتخاب کرد.

اما در قاعده دوسوم که قانون اساسی لبنان تعیین کرده حکمت بزرگی نهفته است که شاید کلمه رمزی برای تفسیر جنبش اعتراضی دوسال اخیر باشد. این قاعده در واقع ستون نگه دارنده ساخت تکثرگرای لبنان است و مهم ترین اهرم برای ضمانت مشارکت همه طوایف لبنان در قدرت ، که نماد این مشارکت همگانی امروز انتخاب رئیس جمهوراست . با این قاعده قانون گذاران درواقع به مسأله ریاست جمهوری در لبنان جایگاه وشأن ملی بخشیده اند . آنها به درستی این مقام را نماد حاکمیت ملی دیده و درشمار موضوعات ملی همه طوایف قرارداده اند.

اما چنان که از خبرها پیداست ۱۴ مارس برای نخستین بار در پی عبور و عدول ازاین قانون دیرپاست . ترفند عبور آن نیز چیزی نیست جز چاچگزینی قاعده ۵۰ + ۱ به جای اصل طلایی اتفاق آرا.

روشن است که این دستکاری به ظاهر کوچک چه فاجعه ای را به وجود می آورد . بی سبب نیست که امروز این مسأله در نظر احزاب وافکارعمومی لبنان که به نقش طوایف در تصمیمات بزرگ چون یک اصل مقدس می نگرند یک بدعت تاریخی تعبیرشده است . زیرا شیرازه توافق بزرگ طوایف برای توزیع قدرت دراین سرزمین را به هم می ریزد.

۲- سناریو تحویق انتخابات

جناح حاکم هنوز در مرحله آزمون و خطا انتخابات را پیش می برد. در اتاق تصمیم گیری هنوز جمع بندی نهایی صورت نگرفته است، در حالی که طیف دیگر با استراتژی روشن پیش می رود ۱۴ مارس چراغ خاموش حرکت می کند.

برای جناحی که هنوز نه کاندیدای روشن دارد نه آن که از پایگاه اجتماعی خویش مطمئن است ورود درمیدان انتخابات عین یک انتحار سیاسی است. پس بهترین راه را دراین می بیند که طرح تحویق را به جریان اندازد اما طرح برای به تأخیر انداختن انتخابات به عنوان گوهر وقلب دموکراسی یک بدنامی وپیراز مفسده است لذا هیچ سخنی از تعویق در کلام این گروه نیست اما واقعیت ها می گوید که این گروه در مسیر تعویق یا تعطیلی انتخابات پیش می رود.

این طرح تا حدی محرمانه در چند قالب دیگر به نام حالت فوق العاده دنبال می شود. چنین وانمود می شود که شرایط و اوضاع لبنان برای یک رقابت انتخاباتی سالم مهیا نیست . آنها تا چند روز پیش برای اثبات غیر عادی بودن اوضاع به بحران نهرالبارد توسل می جستند اما اکنون که این غائله فروکش کرده به نظر می آید برای تحویق طرح مهم انتخابات دستاویز بزرگتری لازم است که شاید این مستمسک در روزهای آینده با وقوع بحران های تصنعی که اسباب و لوازم آن همواره در لبنان مهیا بوده است ، فراهم شود. شاید یکی از آن قضایا همین بحث تهدید به ترور دیپلمات های عرب باشد.

برپایه گفته های نبیه بری، سنیوره به هیچ روی حاضر به انجام این انتخابات نیست زیرا: با انتخاب رئیس جمهوری جدید، دولت ناگزیر به استعفاست و رئیس جمهوری دستور تشکیل دولت جدید را خواهد داد. رئیس مجلس لبنان می افزاید: ما مشکلی با «فواد سنیوره» نخست وزیر کنونی نداریم اما در صورت انتخاب نشدن رئیس جمهوری جدید باید در مورد گسترش دولت کنونی توافق کرد زیرا منطقی نیست که گروه ۱۴ مارس و دولت کنونی به تنهایی بر همه اختیارات و صلاحیت های رئیس جمهوری تسلط پیدا کند.

۳- فراخوانی برای منعصطان مسیحی

از زبان گروه ها واحزاب لبنانی یک شعارواحد می شنوید که ریاست جمهوری امری ملی است، همه چیز باید بر مدار قانون پیش برود وانتخابات بدون دخالت عوامل وعناصر خارجی برگزار شود. حتی افرادی مانند سمیرجعجع و امین جمیل هم در فضیلت آزاد بودن و عادلانه بودن انتخابات سخن می گویند اما درعمل آنها تلاش ویژه ای برای برتری یک قوم و طایفه مسیحیان شروع کرده اند . آنها با این استدلال که حزب الله وشیعیان موازنه را به هم ریخته اند تلاش گسترده ای را برای تحریک احساسات طایفه مسیحیان سازمان داده اند . نخستین امید آنها این است که در جریان بودن وعناصر خارجی برگزار شود. حتی افرادی مانند سمیرجعجع و امین جمیل هم در فضیلت آزاد بودن و عادلانه بودن انتخابات سخن می گویند اما درعمل آنها تلاش ویژه ای برای برتری یک قوم و طایفه مسیحیان شروع کرده اند . آنها با این استدلال که حزب الله وشیعیان موازنه را به هم ریخته اند تلاش گسترده ای را برای تحریک احساسات طایفه مسیحیان سازمان داده اند . نخستین امید آنها این است که در فضای تحریک شده امروز یک چهره تندرو بتواند قدرت را به دست بگیرد. دراین راستا ۱۴ مارسی درتازه ترین ترفند خویش مارونی های متعصب را به صحنه خوانده اند. آنها از مسأله بسیار خطرناکی به نام افول قدرت این طایفه سخن گفته اند . برنامه تبلیغاتی شان چنان پیش می رود که این انتخابات تنها فرصت احیا و بازگشت زمامداران سال های دورمارونی لبنان به قدرت است.

طراحی این برنامه در دست چهره آشنا به نام امین جمیل است که همه امیدهای ۱۴ مارس به اوست . جمیل تاکنیک دمیدن در کوره احساس مارونی ها را در انتخابات میاند وره ای به کار بست اما از این حرکت خویش طرفی نبست . او با آن که با پیراهن خونین فرزندش پیر جمیل به میدان آمده است اما کسی با شعار خونخواهی او همراه نشد. بویژه آن که در صدر مجلسی که اختیار و یا فرمولی که در داخل لبنان دارد چندان مجال مداخله برای نیروهای خارجی نیست.

جالب است «امین جمیل» به عنوان رئیس حزب کتایب وقتی درانتخابات میاندوره ای از نامزد حزب آزاد ملی به ریاست «میشل عون» شکست خورد این گناه را به گردن ارمنی ها انداخت و به شدت از ائتلاف ارمنی ها با عون، ائتلاد و آنان را متهم به تقلب در انتخابات کرد و گفت ارمنی ها، مسیحی نیستند.

اما در کنار طرح های اقراطی و شونیستی که جمیل دنبال می کند یک پیشنهاد منطقی وملایم دیگر از ناحیه مشهورترین چهره مسیحیان یعنی نصرالله صفیر مطرح شده است. نصرالله صفیر رهبر مذهبی مسیحیان مارونی لبنان اظهار داشت: خواهان انتخاب رئیس جمهوری هستیم که نه از مخالفان دولت (گروه ۸ مارس) و نه از طرفداران دولت (۱۴ مارس) باشد. او برخلاف امثال جمیل گفته است که باید قاعده دو سوم آرا درانتخاب رئیس جمهور حفظ شود.

۴- فرضیه واگذاری قدرت به فرمانده ارتش

در گرماگرم جدال سیاسی گروهها واحزاب یک اظهار نظر ازسوی امیل لحود به این شایعه و جنجال دامن زد که ممکن است این افسر دیروز لبنان در اوضاع آشفته، زمام ریاست جمهوری را به رئیس نهاد بیطرف این کشور یعنی فرمانده ارتش واگذار کند. مسأله ای که این فرضیه را قوت بخشید مواضع میشل سلیمان است که در نزاع یک ساله این کشور نقش فردی بی طرف را ایفا کرده است. سلیمان در دعواهای اخیر نیز کوشید منافع ملی را اصل قراردهد اما هیچ کدام از گروه ها به این پیشنهاد اقبال نشان ندادند.

۵- یک طرح با دو کارکرد معامله و نزاع (نقش بازیگران خارجی)

کانون تلاش ها این است که مسأله ریاست جمهوری در شمار مناقشات بین المللی شده این کشور درآید. درست است که در بیروت یک اختلاف جدی میان جناح دراین باره وجود دارد اما آنچه درزبان دیپلمات ها یا محافل خبری غرب راجع به قضیه ریاست جمهوری لبنان گفته می شود فراتر از یک اختلاف یعنی بن بست مطلق است. گفته می شود گرهی که درکار تعیین رئیس جمهور افتاده جز با نیروی پشتیبان طرف های بین المللی گشوده نمی شود. بوش مستقیم و صریح از ورود آمریکا دراین نزاع خبر داد. در کنار آمریکا در مناقشه لبنان بازیگری مؤثر ازجرگه اروپا هم حضور دارد؛ پاریس یک محور و شاید مهم ترین محور دیپلماسی غرب دراین میدان است واین روزها بیشترین وقت کوشش و سازکاری صرف غرب لبنان می شود.

غرب چنان که دیپلمات های آنها اعلام کرده اند ریاست جمهوری لبنان را یک طرح می بیننند، آنها دراین طرح همه گزینه ها را در روزهای باقیمانده می آزمایند. ازیک سو آنها این موضوع را درشمار مسائل قابل داد وستد مورد معامله قرار داده اند. البته در مرحله نخست آنها همه توان شان را صرف خواهند کرد که به کمک احزاب متحدشان در پارلمان ودولت گزینه مطلوب شان که یک چهره لیبرال از قماش ۱۴ مارسی هاست را بر کرسی لحود بنشانند، اما چنان که این روش به نتیجه نینجامد به گزینه بینابین وانتخاب چهره ای مرضی الطرفین روی خواهند آورد. در نهایت آن بر سر فرضیه ای خواهند ایستاد که بالاترین سود را و مهم ترین تضمین را در مورد منافع غرب دشته باشد.

با این مبنا باید همه نوع رفتار از جبهه غرب درمیدان انتخابات انتظار داشت. در این طیف هم می توان به امید توافق نشست هم به انتظار بازی تخریبی و ضد انتخاباتی.

با این اوصاف یک مسأله را طراحان سیاسی غرب،«امری قطعی» تلقی کرده اند که این بازی آنقدر حساس وحریفان به اندازه ای انسجام وقدرت دارند که پیش بردن آن از عهده یاران بیروت نشین بوش برنمی آید. لذا حضور ومشارکت آنان امری اجتناب ناپذیر است. بی سبب نیست که گفته می شود وزیر امور خارجه فرانسه قصد دارد به تماس های خود برای تشکیل همایش منطقه ای - بین المللی درباره لبنان ادامه دهد زیرا مقام های پاریس معتقدند چنین همایشی، مانع از فتح لبنان به دست رقیبان سنیوره می شود. بازیگران غرب در الگوی بازی خود ، موضوع ریاست جمهوری در یک به اصطلاح بسته سیاسی قرارداده اند. این بسته در قطعنامه ای ساخته وپرداخته شده که آمریکا به اتفاق انگلیس و فرانسه درشورای امنیت به تصویب رسانده اند. دراین بسته علاوه بر مسأله ریاست جمهوری، مسائل مهم دیگر مانند پرونده حریری ، سرنوشت گروه های مقاومت یا به تعبیر غربی ها شبه تظامیان و... قرار دارد. در واقع دراین طرح مسأله ملی انتخابات ریاست جمهوری با یک مسأله سیاسی به نام اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل پیوند می خورد و این ادعا مطرح می شود که شرایط برگزاری انتخابات در بیروت مهیا نیست وانتخاب جانشین لحود به اجرای اصول قطعنامه مشروط می شود. شاید این تعجب آور باشد که موقعیت جناح غرب در شرایط فعلی لبنان بشدت از سوی نیروهایی که خواهان بازی دموکراتیک هستند تهدید می شود. تصمیم گیران آمریکا به همه ابزار سنجشگری خود را حس کرده اند که ورود در یک رقابت دموکراتیک در لبنان همان نتیجه ای را برای آنان رقم می زند که در انتخابات فلسطین وعراق دیده شد .

بنابراین ایده ال آمریکا و شرکای عربی آن این است در شرایطی که حلقه متحدان آنها در کفه پائین ترازوی قدرت قرار دارد شکل تازه ای از پیمان طائف پدید آید و زیرسقف اجلاسی تازه کیک قدرت در لبنان به صورتی دلخواه تقسیم شود.

میدان تعیین موازنه قدرت

بیروت یکی از چند میدان رقابت بزرگ در خاورمیانه امروز است، حتی به زعم برخی مهم ترین میدان رقابت است که در آن همه بازیگران ومدعیان خاورمیانه جدید حضور آشکار دارند :از فرانسه و آمریکا که سیم تماس دیپلمات های آن از طریق دفاتر احزاب و کاخ نخست وزیری متصل است تا سعودی ها و مصری ها که از کانال اتحادیه عرب و اجلاس های منطقه ای سیاست خود را پیش می برند.

برای بلوک آمریکا ، اروپا و اعراب محافظه کار که امروز حول دولت شکننده سنیوره ائتلافی واحد تشکیل داده اند ، رقابت در صحنه بیروت حکم یک بازی سرنوشت را دارد و برد و باخت در این میدان می تواند موازنه قدرت را در دیگر نقاط خاورمیانه له یا علیه آنان رقم بزند. درک این نکته که چرا آمریکا یا فرانسه با وجود معلق ماندن طرح سازش در غزه یا طرح صلح در بغداد، بیروت را رها نمی کنند، چندان دشوار نیست.

همه چیز درعوای امروزبیروت به حوادث تابستان گذشته گره می خورد. از جنگ ۳۳ روزه به این سو، بیروت به خاکریز نخست جریان مقاومت تبدیل شده است . این جنگ در پیام واضح خود مفهوم اقلیت و اکثریت را دگرگون کرد. سخن کسانی که در فردای این جنگ از پایان حیات طیف ۱۴ مارس در بیروت سخن راندند بیان یک واقعیت روشن بود. زیرا آنان در نبرد میهنی تابستان ۲۰۰۶ بزرگ ترین اشتباه ممکن را مرتکب شده و برخد زمندگان لبنانی موضع گرفته بودند و بالتبع وقتی جنگ جنگ مسیری خلاف خواست آنان راطی کرد، هیچ هیچ توجیهی برای ماندن آنان در قدرت نبود. لذا بحران مشروعیت» واژه ای است که کارشناسان لبنان برای توصیف موقعیت گروه فواد سنیوره پس از جنگ به کار بستند. به تعبیر یک تحلیلگر عرب، لیبرال هایی که با پیراهن خونین رفیق حریری قدرت را قبضه کرده بودند در فردای این جنگ یک بازنده شرمگین پیش نبودند.

پس از این حادثه صف آرایی نظامی که دراین جنگ بر سر خاورمیانه برگزار صورت گرفت جای خودش را به صف بندی سیاسی داد. لبنان پس از جنگ نیاز به یک تغییر وغربال را با تمام علائم آن در چشم ها نشاند. حتی بیطرف ترین ناظران غربی به این نکته اذعان کردند که لبنان دگرگون شده است و مردم گرایشی آشکار به سمت مجاهدان و جبهه مقاومت پیدا کرده اند. پس این سخن نیز بدون مبنا نیست که امروز یک سال در تحول موعود سیاسی لبنان تاخیر افتاده است . لبنان در زیر چهره آرام خویش تحولی بزرگ را پوروانده است . همه حرکت ها، اعتراض ها وتحصن هایی که در این یک سال بیروت را به جوش و خروش واداشته جلوه هایی از همان تحول پنهان بوده است . مبارزه ای واقعی میان طالبان حفظ وضع موجود ونیروهای تحول خواه در گرفته است . کسی نیست که نداند گروه کم شمار ۱۴ مارس با وجود در دست داشتن کرسی های دولت و مجلس یارای غلبه دموکراتیک بر حریف خویش که قریب یک میلیون جمعیت را به میادین بیروت کشانده ندارد وتنها چیزی که این جناح را در اریکه قدرت حفظ کرد، حمایت طرف های خارجی بود.

دراین یک سال ائتلاف دولت های غربی و گروه اعراب محافظه کار قلعه ای از صیانت را به دور دولت سنیوره کشیدند و هنوز کسی نمی داند که طرف های غربی تا کجا حاضرند خسارت رودررویی با اراده مردمی را که انتخاب آنان میان دوجناح قطعی به نظر می رسد، بپردازند. مقاومت آنان در برابر جنبشی که پرچم سبز تحول را دردست دارد تا کجا تداوم خواهد یافت.